

تقریرات درس خارج فقه حضرت آیت الله دیباجی اصفهانی (مد ظله العالی)

(درس های ۳۴۳-۳۴۵)

درس سیصد و چهل و سوم

بسم الله الرحمن الرحيم

مس الشهيد والمقتص منه

مسألة ۱۱. مس الشهيد و المقتول بالقصاص بعد العمل بالكيفية السابقة لا يوجب الغسل.

عدهای فقها، مانند علامه و شهید اول و شهید ثانی و محقق کرکی و صاحب مدارک رحمتهما قائل شده‌اند که اگر شهید و مقتول بالقصاص، قبل از اجرای حد الهی غسل کند، مس او بعد القتل موجب غسل مس میت نمی‌شود؛ زیرا غسل او غسل میت بوده است.

لکن ابن ادریس در کتاب سرائر و صاحب حدایق مخالفت کرده‌اند و فرموده‌اند (ما دل علی سقوط اثر المس بالغسل) انصراف دارد به غسل بعد الموت لانه المتعارف و در اینجا مورد بعد الموت غسل داده نشده است.

و فيه اشكال: تعارف موجب انصراف نمی‌شود فقط کثرت استعمال موجب

انصراف است نه کثرت وجود و نه تعارف.

مس الشهید و المقص منه

ولکن مدعای ابن ادریس صحیح است، گرچه دلیلش علیل است؛ زیرا دلیل وارد شده که (ان المیت بعد موته لو غسل لا یجب الغسل یمسه) و در مانحن فیه، بعد القتل، غسل داده نشده است.

و بر فرض آنکه بدن شهید (با آنکه مورد قصاص قرار گرفته) پاک باشد، دلیلی نرسیده بر اینکه مس بدن او موجب غسل نمی شود، چنان که بدن طاهر و طیب ائمه معصومین علیهم السلام غسل داده می شود و مس بدن آنان با آنکه طاهر است، موجب غسل مس میت می شود.

مسألة ۱۲. القطعة المبانة من المیت إن لم یکن فیها عظم لا یجب غسلها و لا غیره بل تلف فی خرقه و تدفن

قطعه جدا شده از پیکر میت، اگر لفظ میت بر او صادق باشد، تمام احکام میت بر او جاری می شود غسل و کفن و صلوة و... مثل اینکه دست یا پا یا سرش قطع شده باشد یا استخوانها باقی باشد، ولی اگر لفظ میت بر او صادق نیست، مثل اینکه سرش یا دستها یا پاهایش باقی باشد، آثار میت بر او مترتب نمی شود؛ زیرا لفظ میت بر او صادق نیست (مثلاً می گوید: هذا رأس فلان، هذا ید فلان). و اگر شک حاصل شد، اصل برائت داریم، البته باید او را دفن نمود، حتی اگر لحم مجرد از استخوان باشد.

المیسور لا یسقط بالمعسور

ان قلت: که استصحاب وجوب تغسیل جاری است.

قلت: برخی از علمای اصول استصحاب را در شبهات حکمیه جاری نمی دانند (و این شبهه حکمیه است؛ زیرا حکم این تکه - قطعه - میانه را نمی دانیم، علاوه، موضوع باقی نیست؛ زیرا موضوع (میت الانسانی) است و اکنون بر این قطعه یا این سر بدون بدن

میت صادق نیست. و یکی از شرایط استصحاب وحدت موضوع است.
 و اما قاعده (المیسور): «روی عن امیرالمؤمنین علیه السلام المیسور لا یسقط بالمعسور و
 عنه علیه السلام ما لا یدرک کله لا یترک کله»^۱.
 پس اگر بعضی اجزای صلوة متعذر شد از بعض دیگر ساقط نمی شود و همچنین در
 اکرم العلماء، اگر اکرام بعض علما متعسر شد، از باقی ساقط نمی شود.
فیه: اینکه باید ممکن میسور متعذر باشد، و معلوم نیست غسل دادن سر یا قطعه‌ای از
 بدن، میسور همه بدن باشد، بلکه دو چیز متغایر هستند.

و اما الروایات

منها: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ
 جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ - يَأْكُلُهُ السَّبْعُ أَوْ الطَّيْرُ فَتَبَقِيَ عِظَامُهُ بِغَيْرِ لَحْمٍ - كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ قَالَ
 يُغَسَّلُ وَيُكْفَنُ وَيُصَلَّى عَلَيْهِ وَيُدْفَنُ»^۲.

و منها: «قَالَ: وَ سئلَ الصَّادِقُ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ قُتِلَ - وَ وُجِدَتْ أَعْضَاؤُهُ مُتَفَرِّقَةً كَيْفَ
 يُصَلَّى عَلَيْهِ - قَالَ يُصَلَّى عَلَى الَّذِي فِيهِ قَلْبُهُ»^۳.

و منها: «عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ خَالِدِ بْنِ
 مَادٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَأْكُلُهُ السَّبْعُ أَوْ الطَّيْرُ - فَتَبَقِيَ
 عِظَامُهُ بِغَيْرِ لَحْمٍ كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ - قَالَ يُغَسَّلُ وَيُكْفَنُ وَيُصَلَّى عَلَيْهِ وَيُدْفَنُ - فَإِذَا كَانَ
 الْمَيِّتُ نِصْفَيْنِ - صَلَّى عَلَى النِّصْفِ الَّذِي فِيهِ قَلْبُهُ»^۴.

۱. غوالی اللثالی، ج ۴، ص ۵۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۴، باب ۳۸ من ابواب الجنازه.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۵، باب ۳۸ من ابواب الجنازه.

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۶، باب ۳۸ من ابواب الجنازه.

درس سیصد و چهل و چهارم

بسم الله الرحمن الرحيم

کیفیت غسل المیت

يجب تغسيله ثلاثة أغسال الأول بماء الصدر. الثاني بماء الكافور. الثالث بالماء القراح.

باید میت را سه غسل دهند به ترتیب: اول با آب سدر؛ دوم، با آب کافور؛ سوم، با آب خالص.

مرحوم سلار فرموده: یک غسل با آب خالص کفایت می کند و ایشان برای اثبات مدعای خود سه دلیل اقامه کرده:

۱. الاصل (اصل عدم زاید بر غسل اول است)؛
۲. روایاتی که دلالت دارد غسل میت، مانند غسل جنابت است «غسل المیت کغسل الجنابه»^۱.

۳. روایاتی که دلالت دارد: «المیت الجنب يُغسل غسلًا واحدًا»^۲.
و فيه اشکال: ایراد بر فرمایش سلار آن است که اصل دلیل حیث لا دلیل و با وجود ادله اجتهادیه (و امارات) نوبت به ادله فقهیه (و اصول) نمی رسد؟

جواب: از دلیل دوم ایشان آن است که اگر در برخی از روایات غسل میت را به غسل جنابت تشبیه نموده از جهت کیفیت غسل است که ابتدا سر و گردن و بعد جانب راست و سپس جانب چپ را باید غسل دهند.

و جواب از دلیل سوم ایشان آن است که اگر فرموده: میت جنب غسل داده شود یک

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۶، باب ۳ من ابواب غسل المیت.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۹، باب ۳۱ من ابواب غسل المیت.

غسل، مقصود تداخل است، یعنی مغسل یک نیت می کند برای غسل میت و جنابت، مثلاً در اولین غسل که با آب سدر است نیت کند غسل میت و غسل جنابت و این معنا دلیل نمی شود که غسل با آب کافور و با آب قراح، ساقط شده است. و بر فرض آنکه روایات (که مورد استدلال سلاقر قرار گرفته) اطلاق داشته باشد، باید به اخباری که تصریح می کند به لزوم تعدد، مقید شود.

اعتبار الترتیب بین الاغسال

در صحیحہ ابن مسکان آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غُسْلِ الْمَيِّتِ فَقَالَ اغْسِلْهُ بِمَاءٍ وَ سِدْرٍ - ثُمَّ اغْسِلْهُ عَلَى أَثَرِ ذَلِكَ غَسْلَةً أُخْرَى - بِمَاءٍ وَ كَافُورٍ وَ ذَرِيرَةٍ إِنْ كَانَتْ - وَ اغْسِلْهُ الثَّلَاثَةَ بِمَاءٍ قَرَّاحٍ»^۱.

کیفیه التغمیل

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ غُسْلِ الْمَيِّتِ - قَالَ تَبَدُّأُ فَتَطْرَحُ عَلَى سَوَاتِهِ خِرْقَةً - ثُمَّ تَنْضَحُ عَلَى صَدْرِهِ وَ رُكْبَتَيْهِ مِنَ الْمَاءِ - ثُمَّ تَبَدُّأُ فَتَغْسِلُ الرَّأْسَ وَ اللِّحْيَةَ بِسِدْرٍ حَتَّى تَنْقِيَهُ - ثُمَّ تَبَدُّأُ بِشِقِّهِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ بِشِقِّهِ الْأَيْسَرِ»^۲.

احتمال دارد کسی بگوید: از این روایت استفاده می شود که نصف سر را باید در جانب راست و نصفش را با جانب چپ شست و شو بدهد تا غسل میت محقق شود.

الجواب: این معنا از عبارت خیلی بعید است، مگر ضمیر (تَبَدُّأُ بِشِقِّهِ الْأَيْمَنِ) را به رأس برگردانی که خیلی بعید است، بلکه به میت بر می گردد.

^۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۹، باب ۲ من ابواب غسل المیت.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۴، باب ۲ من ابواب غسل المیت.

عدم جواز الارتماس في تغسيل الميت

و لا يكفي الارتماس على الأحوط في الأغسال الثلاثة مع التمكن من الترتيب نعم يجوز في كل غسل رمس كل من الأعضاء الثلاثة مع مراعاة الترتيب في الماء الكثير

برخی از فقها فرموده: در غسل میت، نیت ارتماسی کفایت می کند؛ زیرا در روایت وارد شده که «غسل الميت كغسل الجنابه»^۱.

و چنان که در غسل جنابت، ارتماس کفایت می کند در غسل میت نیز کافی است و اگر روایتی وارد شده که امر می کند میت را غسل ترتیبی دهید، ناظر به آب قلیل است و لذا مرحوم شیخ قائل شده به جواز تغسیل میت بر ارتماس^۲.

و فيه: اینکه تشبیه فقط در کیفیت تغسیل است نه جهات دیگر و الا در غسل میت (سدر و کافور و تعدد...) معتبر است اما در جنابت معتبر نیست.

علاوه، در رابطه با جنابت و غسل ارتماسی وارد شده است که

«أنَّ الجنب إذا ارتمس في الماء ارتماساً واحدة أجزاء ذلك»^۳.

روایت دلالت دارد که غسل ارتماسی مجزی از غسل ترتیبی است. پس در ابتدا غسل جنابت غسل ترتیبی است، اما اگر ارتماسی انجام داد، جایگزین می شود و اگر غسل میت را به غسل جنابت تشبیه می کند غسل ترتیبی را شامل می شود، اما بدل آن را معلوم نیست، شامل گردد.

ربما يقال: که (اذا ارتمس) مکلف را شامل می شود نسبت به تکالیف خودش، اما نسبت به غیر خودش (مانند تغسیل میت) معلوم نیست، شامل گردد.

اگر غسل ترتیبی نسبت به میت ممکن نشد، بر مبنای مرحوم شیخ انصاری و من یحذو حذوه نوبت به غسل ارتماسی می رسد، چنان که در غسل جنابت و بنا بر مبنای آنان که غسل ارتماسی را تجویز نکرده اند کالمشهور، باید میت را تیمم داد و بالا احتیاط غسل ارتماسی نیز.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۶، باب ۳ من ابواب غسل الميت.

۲. کتاب الطهاره، ص ۲۹۰، فی غسل الاموات.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۰، باب ۲۶ من ابواب الجنابه.

درس سیصد و چهل و پنجم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کیفیت غسل المیت

مسألة ۱. الأحوط إزالة النجاسة عن جميع جسده قبل الشروع في الغسل و إن كان الأقوى كفاية إزالتها عن كل عضو قبل الشروع فيه.

آیا قبل از غسل میت، لازم است از زاله نجاست از بدنش یا لازم نیست.
 مرسله یونس: «وَامْسَحْ بَطْنَهُ مَسْحاً رَفِيقاً - فَإِنْ خَرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ فَأَنْقِهِ ثُمَّ اغْسِلْ رَأْسَهُ - ثُمَّ أَضْجِعْهُ عَلَى جَنْبِهِ الْأَيْسَرِ»^۱

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيَانَ وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَّالَةَ عَنْ حُسَيْنٍ - يَعْنِي ابْنَ عُثْمَانَ - عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ يَعْنِي الْفَضْلَ بْنَ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَيِّتِ فَقَالَ - أَقْعِدْهُ وَ اغْمِزْ بَطْنَهُ غَمْزاً رَفِيقاً - ثُمَّ طَهَّرْهُ مِنْ غَمْزِ الْبَطْنِ»^۲

البته در برخی از روایات وارد شده که فرج او را شست و شو بده در غسل با آب سدر و همچنین قبل از غسل به آب کافور، این جمله دوم دلیل است بر استحباب؛ زیرا اگر برای ازاله نجاست بود، دربار اولی قبل از غسل با آب سدر، کافی بود.

مقدار السدر و الكافور

مسألة ۲. يعتبر في كل من السدر و الكافور أن لا يكون في طرف الكثرة بمقدار

^۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۱، باب ۲ من ابواب غسل المیت، ح ۲.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۴، باب ۲ من ابواب غسل المیت، ح ۹.

یوجب إضافته و خروجه عن الإطلاق و في طرف القلة يعتبر أن يكون بمقدار يصدق أنه مخلوط بالسدر أو الكافور.

در صحیحہ ابن مسکان عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده بود «الغسل بماء السدر و بماء و كافور» و ظاهر این روایت آن است که صدق (آب) باید داشته باشد و در صحیحہ یعقوب بن یقطين: «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَظِينَ قَالَ: سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ غُسْلِ الْمَيِّتِ - أَوْ فِيهِ وَضُوءِ الصَّلَاةِ أَمْ لَا - فَقَالَ غُسْلُ الْمَيِّتِ تَبْدَأُ بِمَرَأَقِهِ فَيُغْسَلُ بِالْحَرُضِ - ثُمَّ يُغْسَلُ وَجْهُهُ وَرَأْسُهُ بِالسِّدْرِ - ثُمَّ يُفَاضُ عَلَيْهِ الْمَاءُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - وَ لَا يُغْسَلَنَّ إِلَّا فِي قَمِيصٍ - يُدْخِلُ رَجُلٌ يَدَهُ وَ يَصُبُّ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقِهِ - وَ يُجْعَلُ فِي الْمَاءِ شَيْءٌ مِنَ السِّدْرِ وَ شَيْءٌ مِنْ كَافُورٍ»^۱.

پس اگر در خبر کاهلی عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده: «یغسل بماء السدر و ما الكافور». در اضافه ادنی ملابس، کافی است و به قرینه روایات دیگر مراد آب مضاف نیست، علاوه، ضعیف السند است به محمد بن سنان.

تغسیل المیت بماء القراح

و في الماء القراح يعتبر صدق الخلوص منهما و قدر بعضهم السدر برطل و الكافور بنصف مثقال تقريبا لكن المناط ما ذكرنا

در روایات آمده که آب باید در غسله سوم خالص باشد و تقیید بالقراح، مانند تقیید بالسدر و الكافور است و چنان که سدر و کافور لازم است، آب خالص نیز لازم است.

معتبره یونس: «ثُمَّ اغْسِلْ يَدَيْكَ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ وَالْأَيْتَةَ وَ صَبَّ فِيهَا الْمَاءَ الْقَرَّاحَ»^۲.

چرا می فرماید دست های ت را و ظرف را شست و شو بده و آب خالص را در آن

^۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۲ من ابواب غسل المیت.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۱، باب ۲ من ابواب غسل المیت.

ظرف بریز؟ برای آنکه چیزی از سدر یا کافور باقی نمانده باشد. بنابراین، اعتبار خلوص آب (در غسل سوم) به نحو عزیمت است نه رخصت.

یستحب الوضوء مع الغسل

۳ مسأله لا يجب مع غسل المیت الوضوء قبله أو بعده و إن كان مستحبا و الأولى أن يكون قبله.

از مفید و ابن براج و ابی الصلاح نقل شده که قائل به وجوب وضو شده‌اند، یعنی باید میت را غسل و وضو داد.

در صحیحہ حریز آمده از امام صادق علیه السلام که فرمود: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْمَيِّتُ يُبَدَأُ بِفَرْجِهِ ثُمَّ يُوضَأُ وَضُوءَ الصَّلَاةِ ثُمَّ ذَكَرَ»^۱

۱. و فيه اشكال: زیرا (غسل المیت کغسل الجنابة).

۲. در روایت آمده که «ای وضوء اتقی من الغسل»^۲.

۳. و صحیحہ ابن مسکان قال علیه السلام: «الغسل بماء السدر و بماء و کافور». و متعرض وضو نشده با اینکه امام علیه السلام در مقام بیان بوده.

۴. علاوه بر سیره جاریه برخلاف این مسئله بوده، اگر وضو میت واجب بود، مشهور می شد و منحصر به این سه نفر نمی شد (مفید و ابن براج و ابی الصلاح).

الوضوء بعد الغسل بدعة

اگر روایاتی وارد شده که دلالت می کنند بر وضو میت، باید حمل بر استحباب شود

^۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۹۱، باب ۶ من ابواب غسل المیت.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۹۱، باب ۶ من ابواب غسل المیت.

و در مقام جمع اولی، دست از ظهور آنها برداریم و با وجود جمع دلالی، داعی نیست آنها را حمل بر تقیه کنیم؛ زیرا بعض عامه قائل به وجوب وضو هستند. حمل بر تقیه در مقام معارضه است. و با وجود جمع دلالی، معارضه ای وجود ندارد.

آیا وضو باید قبل از غسل باشد؟ مطلقاتی وارد شده که: «كُلُّ غَسْلٍ مَعَهُ وَضُوءٌ إِلَّا

غَسْلُ الْجَنَابَةِ». «و إن الجنابة ليس قبلها و لا بعدها وضوء»^۱.

در روایت صحیحہ سلیمان بن خالد: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ شَادَانَ بْنِ الْخَلِيلِ عَنْ

يُونُسَ عَنْ يَحْيَى بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ الْوُضُوءُ بَعْدَ الْغُسْلِ بِدَعَةٍ»^۲.

«و كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ»^۳.

پس باید وضو قبل از غسل باشد، مگر گفته شود بدعه آن هنگامی است که به عنوان

امر واجب یا مستحب انجام دهد، و لکن رجاء به احتمال استحباب واقعاً مانعی ندارد.

مقرر: سید محمد رضا دیباجی

تایپ و تنظیم رحیمی

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

^۱. وسائل الشیعه، باب ۳۵ من ابواب النجابه.

^۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۵، باب ۳۳ من ابواب ان الغسل یجزی من الوضوء.

^۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۳۵، باب ۲۰ من ابواب جواز امامة المرثه.